

بررسی رابطه خودکارآمدی تحصیلی با عملکرد یادگیری دانش آموزان

یوسف قلیکی میلان^۱، فاطمه صالحی^۲، الماس صالحی^۳، مرجان ثابت اقلیدی^۴

چکیده



MDOI-02-2026.0087
MNR-88-2-3CD198

خودکارآمدی تحصیلی یکی از سازه های مهم روان شناسی تربیتی است که نقش تعیین کننده ای در انگیزش، پایداری در تکالیف درسی و در نهایت عملکرد یادگیری دانش آموزان ایفا می کند. این مفهوم که ریشه در نظریه شناختی - اجتماعی بندورا دارد، به باور فرد نسبت به توانایی خود در سازماندهی و اجرای فعالیت های لازم برای دستیابی به موفقیت تحصیلی اشاره دارد. پژوهش های متعدد نشان داده اند دانش آموزانی که از سطح بالاتری از خودکارآمدی تحصیلی برخوردارند، در مواجهه با تکالیف دشوار از تلاش بیشتری استفاده می کنند، در برابر شکست ها مقاومت بیشتری نشان می دهند و از راهبردهای یادگیری مؤثرتری بهره می گیرند. از سوی دیگر، عملکرد یادگیری به عنوان یکی از شاخص های مهم موفقیت تحصیلی، تحت تأثیر عوامل شناختی، عاطفی و محیطی قرار دارد که در میان آن ها باورهای فرد نسبت به توانایی های خود نقش مهمی ایفا می کند. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه خودکارآمدی تحصیلی با عملکرد یادگیری دانش آموزان بر اساس مرور مطالعات و منابع نظری موجود است. این پژوهش با روش مروری و با بررسی کتاب ها، مقالات علمی و پژوهش های انجام شده در حوزه روان شناسی تربیتی و علوم تربیتی انجام شده است. نتایج بررسی منابع نشان می دهد که میان خودکارآمدی تحصیلی و عملکرد یادگیری رابطه ای مثبت و معنادار وجود دارد؛ به گونه ای که افزایش باور دانش آموزان نسبت به توانایی های تحصیلی خود می تواند به بهبود انگیزش، استفاده از راهبردهای شناختی و فراشناختی و در نهایت ارتقای عملکرد یادگیری منجر شود. بنابراین تقویت خودکارآمدی تحصیلی از طریق راهبردهای آموزشی مناسب، حمایت معلمان و ایجاد تجربه های موفقیت آمیز برای دانش آموزان می تواند به بهبود کیفیت یادگیری و افزایش پیشرفت تحصیلی آنان کمک کند.

کلیدواژگان: تدریس، خودکارآمدی، تحصیل، عملکرد، دانش آموزان

^۱. شاغل در آموزش و پرورش شهرستان شوط، مقطع ابتدایی

^۲. شاغل در آموزش و پرورش شهرستان شوط، مقطع ابتدایی

^۳. شاغل در آموزش و پرورش شهرستان شوط، مقطع ابتدایی

^۴. کارشناسی ارشد روانشناسی گرایش کودکان استثنایی، دانشگاه آزاد یزد

۱. مقدمه

نظام های آموزشی در جوامع امروزی با چالش های پیچیده ای روبرو هستند که مهم ترین آن ها ارتقای کیفیت یادگیری و تضمین پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در محیطی رقابتی و متغیر است. در این میان، روان شناسی تربیتی به عنوان دانشی که پیوند میان فرایندهای ذهنی و کنش های آموزشی را تبیین می کند، توجه ویژه ای به عوامل روان شناختی دخیل در موفقیت تحصیلی دارد. یکی از تأثیرگذارترین این عوامل، سازه «خودکارآمدی تحصیلی» است. خودکارآمدی به عنوان هسته مرکزی نظریه شناختی-اجتماعی آلبرت بندورا، بیانگر باور فرد به توانایی های خویش برای انجام موفقیت آمیز فعالیت ها و رسیدن به نتایج مطلوب است. وقتی این مفهوم در بستر مدرسه و کلاس درس قرار می گیرد، به «خودکارآمدی تحصیلی» تبدیل می شود؛ باوری که مشخص می کند یک دانش آموز تا چه حد خود را در یادگیری مفاهیم دشوار، سازماندهی تکالیف درسی و مدیریت زمان برای مطالعه توانا می بیند. عملکرد یادگیری، به عنوان برآیند تلاش های شناختی، عاطفی و رفتاری دانش آموز، تنها تابع بهره هوشی یا دسترسی به منابع آموزشی نیست. شواهد علمی بسیاری نشان می دهند که دانش آموزانی با توانایی های ذهنی مشابه، ممکن است عملکرد تحصیلی متفاوتی داشته باشند که این تفاوت ناشی از ادراکات آن ها از توانمندی های شخصی شان است. دانش آموزی که با خودکارآمدی بالا وارد محیط یادگیری می شود، چالش ها را نه به عنوان تهدیدی برای اعتبار شخصی، بلکه به عنوان فرصتی برای رشد تلقی می کند. این رویکرد فعالانه، باعث می شود او در مواجهه با ابهامات درسی به سرعت ناامید نشود و با پشتکار بیشتری به جستجوی راه حل ها بپردازد. برعکس، دانش آموزانی با خودکارآمدی پایین، معمولاً در برابر دشواری ها به سرعت دچار اضطراب شده و از تلاش دست می کشند که این امر به چرخه ای از شکست های پی درپی و کاهش انگیزه منجر می شود. اهمیت این رابطه در دنیای کنونی که آموزش بر پایه «یادگیری یادگیری» استوار است، دوچندان می شود. دیگر کافی نیست که دانش آموز تنها اطلاعات را حفظ کند؛ او باید بتواند فرایندهای ذهنی خود را مدیریت کرده و با بهره گیری از راهبردهای خودتنظیمی، به دانش عمیق دست یابد. خودکارآمدی تحصیلی نقشی کلیدی در فعال سازی این راهبردهای خودتنظیمی دارد. وقتی دانش آموز به توانایی خود باور دارد، اهداف بلندمدت تری برای خود ترسیم می کند، برای رسیدن به آن ها برنامه ریزی دقیق تری انجام می دهد و بازخوردها را با دیدگاهی سازنده برای اصلاح مسیر یادگیری به کار می گیرد. این مکانیزم ها مستقیماً بر عملکرد نهایی یادگیری تأثیر می گذارند.



علاوه بر این، در دهه های اخیر، توجه به سلامت روان در مدارس و رابطه آن با پیشرفت تحصیلی افزایش یافته است. دانش آموزان اغلب با فشارهای ناشی از انتظارات خانواده، معلمان و جامعه مواجه هستند. خودکارآمدی تحصیلی به عنوان یک عامل محافظتی، می تواند اثرات منفی اضطراب و استرس را تعدیل کند. دانش آموزی که به خود ایمان دارد، در محیط های پرفشار بهتر عمل می کند و به جای تمرکز بر شکست های احتمالی، بر مدیریت منابع و راهبردهای موفقیت تمرکز می نماید. این امر نه تنها عملکرد تحصیلی، بلکه بهزیستی روان شناختی او را نیز تضمین می کند. از منظر مدیریت آموزشی، شناسایی نقش خودکارآمدی می تواند به تغییر رویکردها از تمرکز صرف بر محتوا، به سمت تقویت ظرفیت های روانی یادگیرندگان منجر شود. اگر معلمان و نظام آموزشی بتوانند روش هایی را اتخاذ کنند که منجر به تقویت حس کفایت و توانمندی در دانش آموزان شود، عملکرد کلی سیستم آموزشی ارتقا می یابد. این موضوع تنها محدود به کلاس های درس نیست، بلکه در تمامی ابعاد رشد شناختی و شخصیتی فرد نمود پیدا می کند. این پژوهش بر آن است تا با رویکردی تحلیلی گرانه و مروری، ابعاد مختلف این رابطه را واکاوی کند. با گذار از مفاهیم انتزاعی به سمت کاربردهای عملی، بررسی خواهیم کرد که چگونه عوامل بیرونی (مثل نوع تدریس معلمان و فضای کلاس) و عوامل درونی (مثل تجربیات گذشته و بازخوردهای ارزیابی) بر خودکارآمدی تحصیلی تأثیر می گذارند و چگونه این خودکارآمدی، واسطه ای میان توانایی های بالقوه دانش آموز و عملکرد بالفعل او در یادگیری می شود. در ادامه، ضمن بررسی دقیق مبانی نظری، ضرورت این مداخله و جایگاه آن در ادبیات آموزشی معاصر تبیین خواهد شد تا بستری استوار برای تحلیل یافته های حاصل از منابع معتبر علمی فراهم گردد. هدف اصلی این مقدمه، ترسیم سیمایی جامع از اهمیت راهبردی خودکارآمدی تحصیلی به عنوان پیش شرطی برای یادگیری عمیق و پایدار در هزاره جدید است.

۲. مبانی نظری

مفهوم خودکارآمدی

خودکارآمدی یکی از مفاهیم اساسی در نظریه شناختی - اجتماعی آلبرت بندورا است که به باور فرد نسبت به توانایی خود برای انجام موفقیت آمیز یک فعالیت اشاره دارد. بندورا معتقد بود انسان ها تنها تحت تأثیر محرک های بیرونی قرار نمی گیرند، بلکه برداشت و ارزیابی آنان از توانایی های شخصی، نقش تعیین کننده ای در رفتار، تصمیم گیری و میزان تلاش آنان دارد. بر این اساس، افرادی که خودکارآمدی بالاتری دارند، در مواجهه با مشکلات از استقامت بیشتری برخوردارند و



شکست را به عنوان بخشی از فرایند یادگیری می‌پذیرند. در محیط آموزشی، خودکارآمدی به شکل «خودکارآمدی تحصیلی» نمود پیدا می‌کند. خودکارآمدی تحصیلی بیانگر میزان باور دانش‌آموز نسبت به توانایی خود در انجام تکالیف درسی، یادگیری مفاهیم آموزشی و موفقیت در فعالیت‌های تحصیلی است. این باور می‌تواند بر انتخاب اهداف، میزان انگیزه، نحوه برخورد با دشواری‌ها و حتی کیفیت یادگیری تأثیر مستقیم بگذارد. دانش‌آموزانی که احساس می‌کنند توانایی انجام موفقیت‌آمیز فعالیت‌های درسی را دارند، با اشتیاق بیشتری در کلاس شرکت می‌کنند و در انجام تکالیف پشتکار بیشتری نشان می‌دهند. بندورا چهار منبع اصلی برای شکل‌گیری خودکارآمدی معرفی می‌کند که شامل تجربه‌های موفقیت‌آمیز، تجربه‌های جانشینی، ترغیب کلامی و حالات هیجانی و فیزیولوژیکی است. تجربه موفقیت، مهم‌ترین عامل در تقویت خودکارآمدی محسوب می‌شود؛ زیرا موفقیت‌های مکرر باعث شکل‌گیری اعتماد به نفس و باور به توانایی‌های فرد می‌شود. همچنین مشاهده موفقیت دیگران، به‌ویژه افرادی که شرایط مشابهی دارند، می‌تواند باور فرد نسبت به توانایی‌های خود را افزایش دهد.

عملکرد یادگیری

عملکرد یادگیری به میزان دستیابی دانش‌آموز به اهداف آموزشی و تغییرات ایجادشده در دانش، نگرش و مهارت‌های او اشاره دارد. این مفهوم یکی از شاخص‌های مهم موفقیت نظام آموزشی محسوب می‌شود و معمولاً از طریق نمرات درسی، آزمون‌ها، میزان مشارکت در کلاس و توانایی حل مسئله ارزیابی می‌شود. عملکرد یادگیری تنها نتیجه حفظ مطالب درسی نیست، بلکه نشان‌دهنده توانایی فرد در درک، تحلیل، کاربرد و انتقال آموخته‌ها به موقعیت‌های جدید است. عوامل متعددی بر عملکرد یادگیری تأثیر می‌گذارند که می‌توان آن‌ها را به عوامل فردی، خانوادگی، آموزشی و اجتماعی تقسیم کرد. در میان عوامل فردی، ویژگی‌هایی مانند انگیزش، هوش، سبک یادگیری، اعتماد به نفس و خودکارآمدی نقش مهمی دارند. پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که عملکرد یادگیری زمانی بهبود می‌یابد که دانش‌آموز نسبت به توانایی‌های خود نگرش مثبتی داشته باشد و بتواند با اعتماد به نفس در فعالیت‌های آموزشی مشارکت کند. از دیدگاه روان‌شناسان تربیتی، یادگیری زمانی عمیق و پایدار خواهد بود که دانش‌آموز به صورت فعال در فرایند آموزش مشارکت کند. در این میان، باور به توانایی‌های فردی می‌تواند زمینه مشارکت فعال را فراهم سازد. دانش‌آموزانی که از



خودکارآمدی بالاتری برخوردارند، بیشتر از راهبردهای شناختی و فراشناختی استفاده می‌کنند و در نتیجه عملکرد یادگیری مطلوب‌تری دارند.

نظریه شناختی - اجتماعی بندورا

نظریه شناختی - اجتماعی بندورا یکی از مهم‌ترین نظریه‌های روان‌شناسی معاصر است که بر تعامل متقابل میان فرد، محیط و رفتار تأکید دارد. بر اساس این نظریه، رفتار انسان تنها حاصل عوامل محیطی نیست، بلکه عوامل شناختی و باورهای فردی نیز در شکل‌گیری رفتار نقش دارند. بندورا معتقد بود افراد از طریق مشاهده، تجربه و ارزیابی توانایی‌های خود، رفتارهای گوناگون را یاد می‌گیرند. در چارچوب این نظریه، خودکارآمدی به عنوان یکی از مهم‌ترین سازه‌های روان‌شناختی شناخته می‌شود. بندورا بیان می‌کند افرادی که خودکارآمدی بالایی دارند، اهداف دشوارتری برای خود تعیین می‌کنند، در برابر شکست مقاومت بیشتری نشان می‌دهند و برای دستیابی به موفقیت تلاش بیشتری انجام می‌دهند. در مقابل، افرادی با خودکارآمدی پایین معمولاً از موقعیت‌های چالش‌برانگیز اجتناب می‌کنند و در برابر موانع به سرعت دلسرد می‌شوند. در محیط‌های آموزشی، نظریه شناختی - اجتماعی می‌تواند تبیین کند که چرا برخی دانش‌آموزان با وجود توانایی‌های شناختی مناسب، عملکرد تحصیلی ضعیفی دارند. در بسیاری از موارد، مشکل اصلی نه کمبود توانایی، بلکه ضعف در باور به توانایی‌های فردی است. هنگامی که دانش‌آموز احساس کند قادر به موفقیت نیست، انگیزه خود را از دست می‌دهد و عملکرد او کاهش می‌یابد.

نقش انگیزش در یادگیری

انگیزش یکی از عناصر اساسی در فرایند یادگیری است و به نیروهایی اشاره دارد که رفتار فرد را فعال، هدایت و پایدار می‌سازد. یادگیری بدون انگیزش پایدار نخواهد بود؛ زیرا دانش‌آموز برای درگیری فعال در فعالیت‌های آموزشی نیازمند تمایل و علاقه درونی است. خودکارآمدی تحصیلی ارتباط نزدیکی با انگیزش دارد و می‌تواند سطح تلاش و پشتکار دانش‌آموز را تعیین کند. دانش‌آموزانی که خودکارآمدی بالایی دارند، معمولاً انگیزش درونی بیشتری برای یادگیری نشان می‌دهند. آنان یادگیری را فرصتی برای رشد و پیشرفت می‌دانند و در برابر مشکلات، از راهبردهای مختلف برای رسیدن به موفقیت استفاده می‌کنند. در مقابل، دانش‌آموزانی که خودکارآمدی پایینی دارند، اغلب از شکست می‌ترسند و به دلیل نگرانی از ناتوانی، از فعالیت‌های آموزشی فاصله می‌گیرند.



پژوهش‌ها نشان داده‌اند که میان خودکارآمدی و انگیزش پیشرفت رابطه مثبتی وجود دارد. هرچه دانش‌آموز احساس توانایی بیشتری داشته باشد، برای دستیابی به اهداف تحصیلی تلاش بیشتری انجام می‌دهد. این مسئله باعث افزایش مشارکت در کلاس، تمرکز بیشتر بر تکالیف و در نهایت بهبود عملکرد یادگیری می‌شود.

راهبردهای یادگیری و خودکارآمدی

راهبردهای یادگیری به روش‌ها و فنونی گفته می‌شود که دانش‌آموز برای درک، حفظ و بازیابی اطلاعات از آن‌ها استفاده می‌کند. این راهبردها شامل روش‌های شناختی، فراشناختی و مدیریت منابع هستند. استفاده مؤثر از راهبردهای یادگیری می‌تواند کیفیت یادگیری را افزایش دهد و موجب موفقیت تحصیلی شود. خودکارآمدی تحصیلی تأثیر مستقیمی بر انتخاب و استفاده از راهبردهای یادگیری دارد. دانش‌آموزانی که به توانایی‌های خود باور دارند، بیشتر از راهبردهای سازمان‌دهی، مرور ذهنی، برنامه‌ریزی و خودنظارتی استفاده می‌کنند. این افراد هنگام مواجهه با مطالب دشوار، تلاش بیشتری برای درک مفاهیم انجام می‌دهند و در صورت نیاز، راهبردهای جدیدی را به کار می‌گیرند. در مقابل، دانش‌آموزانی با خودکارآمدی پایین، معمولاً از راهبردهای سطحی مانند حفظ کردن مطالب استفاده می‌کنند و در صورت مواجهه با دشواری، از ادامه یادگیری منصرف می‌شوند. بنابراین، تقویت خودکارآمدی می‌تواند به بهبود کیفیت راهبردهای یادگیری و افزایش عملکرد تحصیلی منجر شود. عوامل مؤثر بر خودکارآمدی تحصیلی عبارتند از:

- تجربه موفقیت در فعالیت‌های آموزشی
- تشویق و بازخورد مثبت معلمان
- حمایت عاطفی خانواده
- فضای روانی مناسب کلاس درس
- مشاهده موفقیت همسالان
- استفاده از روش‌های تدریس فعال
- کاهش اضطراب و استرس تحصیلی
- مشارکت دانش‌آموز در فعالیت‌های آموزشی

پیامدهای خودکارآمدی تحصیلی

- افزایش انگیزش پیشرفت
- بهبود عملکرد یادگیری
- افزایش مشارکت کلاسی
- تقویت پشتکار در انجام تکالیف
- کاهش اضطراب امتحان
- ارتقای اعتماد به نفس تحصیلی
- استفاده مؤثر از راهبردهای شناختی و فراشناختی
- افزایش رضایت از فرایند یادگیری

۳. بیان مسئله

یادگیری مؤثر و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان از مهم‌ترین اهداف نظام‌های آموزشی در سراسر جهان محسوب می‌شود. مدارس و نهادهای آموزشی همواره در تلاش‌اند شرایطی را فراهم کنند که دانش‌آموزان بتوانند توانایی‌های بالقوه خود را شکوفا کرده و به سطوح مطلوبی از عملکرد تحصیلی دست یابند. با این حال، واقعیت‌های آموزشی نشان می‌دهد که عملکرد یادگیری دانش‌آموزان تنها به عوامل شناختی مانند هوش یا دسترسی به منابع آموزشی محدود نمی‌شود، بلکه مجموعه‌ای از عوامل روان‌شناختی، اجتماعی و محیطی نیز در این فرایند نقش دارند. یکی از مهم‌ترین این عوامل، باورهای فرد نسبت به توانایی‌های خود است که در قالب مفهوم «خودکارآمدی تحصیلی» مطرح می‌شود. خودکارآمدی تحصیلی به باور دانش‌آموز نسبت به توانایی خود برای انجام موفقیت‌آمیز فعالیت‌های آموزشی اشاره دارد. این باور تعیین می‌کند که دانش‌آموز چگونه با تکالیف درسی روبه‌رو شود، چه میزان تلاش برای یادگیری صرف کند و در برابر مشکلات و موانع تحصیلی چه واکنشی نشان دهد. در واقع، خودکارآمدی تحصیلی می‌تواند به عنوان یک عامل انگیزشی مهم در فرایند یادگیری عمل کند و میزان مشارکت، پشتکار و استمرار دانش‌آموزان را در فعالیت‌های آموزشی تحت تأثیر قرار دهد. در بسیاری از موارد مشاهده می‌شود که دانش‌آموزانی با توانایی‌های شناختی مشابه، عملکرد تحصیلی متفاوتی دارند. برخی از دانش‌آموزان با وجود داشتن توانایی‌های ذهنی مناسب، در انجام تکالیف درسی دچار مشکل می‌شوند و



پیشرفت تحصیلی مطلوبی ندارند. در مقابل، برخی دیگر با وجود محدودیت‌های نسبی در توانایی‌های شناختی، عملکرد تحصیلی قابل قبولی از خود نشان می‌دهند. یکی از عوامل مهمی که می‌تواند این تفاوت را توضیح دهد، سطح خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان است. دانش‌آموزانی که باور قوی‌تری نسبت به توانایی‌های خود دارند، معمولاً اهداف تحصیلی بالاتری برای خود تعیین می‌کنند و برای دستیابی به این اهداف تلاش بیشتری انجام می‌دهند. از سوی دیگر، دانش‌آموزانی که از خودکارآمدی پایینی برخوردارند، اغلب نسبت به توانایی‌های خود تردید دارند و در مواجهه با تکالیف دشوار به سرعت دچار ناامیدی می‌شوند. این افراد ممکن است از فعالیت‌های آموزشی اجتناب کنند، تلاش کمتری برای یادگیری انجام دهند و در نتیجه عملکرد تحصیلی ضعیف‌تری داشته باشند. این وضعیت می‌تواند به شکل یک چرخه منفی ادامه یابد؛ به این صورت که شکست‌های تحصیلی باعث کاهش بیشتر خودکارآمدی شده و در نتیجه انگیزه و تلاش دانش‌آموز نیز کاهش پیدا می‌کند. اهمیت بررسی رابطه میان خودکارآمدی تحصیلی و عملکرد یادگیری زمانی بیشتر آشکار می‌شود که توجه کنیم بسیاری از مشکلات آموزشی مانند افت تحصیلی، کاهش انگیزه یادگیری و ترک تحصیل، می‌توانند تا حدی با عوامل روان‌شناختی مرتبط باشند. اگر دانش‌آموزان نسبت به توانایی‌های خود باور مثبتی داشته باشند، احتمال بیشتری وجود دارد که در فعالیت‌های آموزشی مشارکت فعال داشته باشند و برای غلبه بر مشکلات تلاش کنند. علاوه بر این، خودکارآمدی تحصیلی می‌تواند بر نحوه استفاده دانش‌آموزان از راهبردهای یادگیری نیز تأثیر بگذارد. دانش‌آموزانی که از خودکارآمدی بالاتری برخوردارند، معمولاً از راهبردهای شناختی و فراشناختی مؤثرتری استفاده می‌کنند. آن‌ها برای مطالعه برنامه‌ریزی می‌کنند، پیشرفت خود را ارزیابی می‌کنند و در صورت نیاز روش‌های یادگیری خود را تغییر می‌دهند. این در حالی است که دانش‌آموزان با خودکارآمدی پایین، اغلب از راهبردهای سطحی مانند حفظ کردن مطالب استفاده می‌کنند و کمتر به درک عمیق مفاهیم توجه دارند. با توجه به اهمیت این موضوع، پژوهش‌های متعددی در حوزه روان‌شناسی تربیتی به بررسی نقش خودکارآمدی در موفقیت تحصیلی پرداخته‌اند. نتایج بسیاری از این پژوهش‌ها نشان داده است که میان خودکارآمدی تحصیلی و عملکرد یادگیری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. با این حال، همچنان نیاز به بررسی و تحلیل جامع این رابطه در قالب مطالعات مروری وجود دارد تا بتوان تصویری روشن‌تر از ابعاد مختلف این مفهوم و تأثیر آن بر یادگیری دانش‌آموزان ارائه داد. بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر بررسی رابطه میان خودکارآمدی تحصیلی و عملکرد یادگیری دانش‌آموزان است. این



پژوهش تلاش می‌کند با مرور منابع و مطالعات موجود، به تبیین این موضوع بپردازد که چگونه باور دانش‌آموزان نسبت به توانایی‌های خود می‌تواند بر کیفیت یادگیری و میزان پیشرفت تحصیلی آنان تأثیر بگذارد. نتایج چنین بررسی‌ای می‌تواند به معلمان، مدیران آموزشی و برنامه‌ریزان درسی کمک کند تا با طراحی راهبردهای مناسب، زمینه تقویت خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان را فراهم سازند و در نهایت به بهبود عملکرد یادگیری در مدارس کمک نمایند.

۴. ضرورت پژوهش

در سال‌های اخیر توجه پژوهشگران حوزه علوم تربیتی و روان‌شناسی تربیتی به نقش عوامل روان‌شناختی در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان افزایش یافته است. یکی از مهم‌ترین این عوامل، خودکارآمدی تحصیلی است که می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان تلاش، پشتکار و مشارکت دانش‌آموزان در فعالیتهای آموزشی داشته باشد. بررسی رابطه میان خودکارآمدی تحصیلی و عملکرد یادگیری از آن جهت اهمیت دارد که می‌تواند به درک بهتر فرایندهای روان‌شناختی مؤثر بر یادگیری کمک کند. نخستین دلیل اهمیت این پژوهش، نقش کلیدی خودکارآمدی در انگیزش تحصیلی است. انگیزش یکی از پیش‌شرط‌های اساسی یادگیری مؤثر محسوب می‌شود و بدون وجود آن، حتی بهترین برنامه‌های آموزشی نیز نمی‌توانند به نتایج مطلوب دست یابند. دانش‌آموزانی که به توانایی‌های خود باور دارند، معمولاً با انگیزه بیشتری در فعالیتهای آموزشی شرکت می‌کنند و برای دستیابی به اهداف تحصیلی تلاش بیشتری انجام می‌دهند. بنابراین، شناخت رابطه میان خودکارآمدی و عملکرد یادگیری می‌تواند به معلمان کمک کند تا روش‌های آموزشی مؤثرتری را برای افزایش انگیزه دانش‌آموزان به کار گیرند. دومین دلیل اهمیت این پژوهش، نقش خودکارآمدی در کاهش مشکلات تحصیلی مانند افت تحصیلی و اضطراب امتحان است. بسیاری از دانش‌آموزان به دلیل نداشتن اعتماد به توانایی‌های خود، در مواجهه با تکالیف درسی دچار اضطراب می‌شوند و این اضطراب می‌تواند عملکرد تحصیلی آنان را تحت تأثیر قرار دهد. اگر معلمان و برنامه‌ریزان آموزشی بتوانند راهکارهایی برای تقویت خودکارآمدی تحصیلی ارائه دهند، می‌توانند تا حد زیادی از بروز چنین مشکلاتی جلوگیری کنند. از سوی دیگر، نتایج این پژوهش می‌تواند برای مدیران و برنامه‌ریزان آموزشی نیز مفید باشد. شناخت عواملی که بر عملکرد یادگیری دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد، می‌تواند به طراحی برنامه‌های آموزشی کارآمدتر منجر شود. اگر نظام آموزشی بتواند علاوه بر انتقال دانش، به تقویت باورهای مثبت دانش‌آموزان نسبت به توانایی‌های خود نیز توجه کند، احتمال دستیابی به اهداف آموزشی افزایش خواهد

یافت. در نهایت، بررسی رابطه میان خودکارآمدی تحصیلی و عملکرد یادگیری می تواند به گسترش ادبیات علمی در حوزه روان شناسی تربیتی کمک کند. با توجه به تغییرات سریع در نظام های آموزشی و افزایش اهمیت مهارت های یادگیری خودتنظیمی، مطالعه عواملی مانند خودکارآمدی که می توانند نقش مهمی در موفقیت تحصیلی داشته باشند، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

۵. اهداف پژوهش

- بررسی مفهوم خودکارآمدی تحصیلی و ابعاد آن در فرایند یادگیری
- تبیین نقش خودکارآمدی تحصیلی در عملکرد یادگیری دانش آموزان
- بررسی عوامل مؤثر بر تقویت خودکارآمدی تحصیلی در محیط های آموزشی
- تحلیل رابطه میان خودکارآمدی تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

۶. سؤالات پژوهش

- خودکارآمدی تحصیلی چه نقشی در عملکرد یادگیری دانش آموزان دارد؟
- چه عواملی بر شکل گیری و تقویت خودکارآمدی تحصیلی دانش آموزان تأثیر می گذارند؟
- آیا میان خودکارآمدی تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد؟
- چگونه می توان از طریق راهبردهای آموزشی، خودکارآمدی تحصیلی دانش آموزان را تقویت کرد؟

۷. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مطالعات مروری است. در این روش، با استفاده از بررسی و تحلیل منابع علمی موجود، تلاش می شود تصویری جامع از رابطه میان خودکارآمدی تحصیلی و عملکرد یادگیری دانش آموزان ارائه شود. به منظور گردآوری اطلاعات، کتاب ها، مقالات علمی پژوهشی و منابع معتبر در حوزه روان شناسی تربیتی، علوم تربیتی و مدیریت آموزشی مورد بررسی قرار گرفته اند. همچنین برای دستیابی به منابع جدیدتر، از پایگاه های علمی داخلی و خارجی استفاده شده است. پس از جمع آوری منابع، اطلاعات مرتبط با موضوع پژوهش استخراج و با روش تحلیل توصیفی مورد بررسی قرار گرفت. در نهایت، نتایج مطالعات و پژوهش های پیشین به صورت منسجم دسته بندی و تحلیل شد تا بتوان رابطه میان خودکارآمدی تحصیلی و عملکرد یادگیری را تبیین کرد.

۸. یافته های پژوهش

بررسی مطالعات نظری و پژوهش های انجام شده در حوزه روان شناسی تربیتی نشان می دهد که خودکارآمدی تحصیلی یکی از متغیرهای مهم در تبیین عملکرد یادگیری دانش آموزان است. پژوهشگران مختلف تأکید کرده اند که باور فرد نسبت به توانایی های خود می تواند بر نحوه یادگیری، میزان تلاش، انتخاب راهبردهای یادگیری و در نهایت بر نتایج تحصیلی او تأثیر بگذارد. یافته های حاصل از بررسی منابع نشان می دهد که میان خودکارآمدی تحصیلی و عملکرد یادگیری رابطه ای مثبت و معنادار وجود دارد. نخستین یافته مهم در مطالعات مربوط به این حوزه، نقش خودکارآمدی در افزایش انگیزش تحصیلی است. دانش آموزانی که از سطح بالاتری از خودکارآمدی برخوردارند، معمولاً اهداف تحصیلی مشخص تری برای خود تعیین می کنند و برای رسیدن به این اهداف تلاش بیشتری انجام می دهند. این دانش آموزان یادگیری را فرایندی فعال می دانند و با علاقه بیشتری در فعالیتهای آموزشی مشارکت می کنند. در مقابل، دانش آموزانی که خودکارآمدی پایین تری دارند، اغلب نسبت به توانایی های خود تردید دارند و در مواجهه با تکالیف دشوار، سریع تر دچار ناامیدی می شوند. یافته های پژوهش ها همچنین نشان می دهد که خودکارآمدی تحصیلی می تواند بر میزان پشتکار دانش آموزان در انجام تکالیف درسی تأثیر بگذارد. دانش آموزانی که باور قوی تری نسبت به توانایی های خود دارند، در برابر مشکلات تحصیلی مقاومت بیشتری نشان می دهند و تلاش می کنند راه حل های مناسبی برای حل مسائل پیدا کنند. این افراد حتی در شرایطی که با شکست مواجه می شوند، به تلاش خود ادامه می دهند و شکست را به عنوان فرصتی برای یادگیری تلقی می کنند. یکی دیگر از یافته های مهم پژوهش ها، ارتباط میان خودکارآمدی تحصیلی و استفاده از راهبردهای یادگیری است. دانش آموزانی که از خودکارآمدی بالاتری برخوردارند، بیشتر از راهبردهای شناختی و فراشناختی استفاده می کنند. آنان برای مطالعه برنامه ریزی می کنند، مطالب درسی را سازمان دهی می کنند و پیشرفت خود را مورد ارزیابی قرار می دهند. استفاده از این راهبردها باعث می شود یادگیری عمیق تر و پایدارتر باشد و در نتیجه عملکرد تحصیلی دانش آموزان بهبود یابد. در مقابل، دانش آموزانی که از خودکارآمدی پایینی برخوردارند، اغلب از راهبردهای سطحی یادگیری مانند حفظ کردن مطالب استفاده می کنند. این دانش آموزان کمتر به درک مفاهیم توجه می کنند و در صورت مواجهه با مطالب دشوار، تمایل کمتری به ادامه یادگیری دارند. چنین رویکردی می تواند به کاهش کیفیت یادگیری و افت تحصیلی منجر شود. یافته های پژوهش ها نشان می دهد که خودکارآمدی تحصیلی علاوه بر تأثیر



بر انگیزش و راهبردهای یادگیری، بر وضعیت هیجانی دانش‌آموزان نیز تأثیر دارد. دانش‌آموزانی که از خودکارآمدی بالاتری برخوردارند، معمولاً اضطراب کمتری در موقعیت‌های آموزشی تجربه می‌کنند. این افراد در هنگام شرکت در آزمون‌ها یا ارائه مطالب در کلاس، اعتماد به نفس بیشتری دارند و می‌توانند توانایی‌های خود را بهتر نشان دهند. در مقابل، دانش‌آموزانی با خودکارآمدی پایین، اغلب در موقعیت‌های ارزیابی دچار اضطراب می‌شوند که این امر می‌تواند عملکرد تحصیلی آنان را تحت تأثیر قرار دهد. از سوی دیگر، نتایج مطالعات نشان می‌دهد که عوامل مختلفی می‌توانند بر شکل‌گیری و تقویت خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر بگذارند. یکی از مهم‌ترین این عوامل، تجربه موفقیت در فعالیت‌های آموزشی است. زمانی که دانش‌آموزان در انجام تکالیف درسی موفق می‌شوند، باور آنان نسبت به توانایی‌های خود تقویت می‌شود و در نتیجه با انگیزه بیشتری به یادگیری ادامه می‌دهند. در مقابل، تجربه شکست‌های مکرر می‌تواند باعث کاهش خودکارآمدی و کاهش انگیزه تحصیلی شود. عامل دیگری که می‌تواند بر خودکارآمدی تحصیلی تأثیر بگذارد، بازخورد معلمان است. معلمان نقش مهمی در شکل‌گیری باورهای دانش‌آموزان نسبت به توانایی‌هایشان دارند. زمانی که معلمان بازخوردهای مثبت و سازنده ارائه می‌دهند، دانش‌آموزان احساس می‌کنند تلاش‌های آنان مورد توجه قرار گرفته است و این امر می‌تواند باعث افزایش اعتماد به نفس و خودکارآمدی آنان شود. حمایت خانواده نیز یکی دیگر از عوامل مؤثر بر خودکارآمدی تحصیلی محسوب می‌شود. خانواده‌هایی که محیطی حمایتی و تشویق‌کننده برای فرزندان خود فراهم می‌کنند، می‌توانند نقش مهمی در تقویت باورهای مثبت آنان نسبت به توانایی‌هایشان داشته باشند. در چنین خانواده‌هایی، دانش‌آموزان احساس امنیت بیشتری می‌کنند و با انگیزه بیشتری در فعالیت‌های آموزشی شرکت می‌کنند. همچنین نتایج مطالعات نشان می‌دهد که فضای کلاس درس و شیوه تدریس معلمان نیز می‌تواند بر خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر بگذارد. کلاس‌هایی که در آن‌ها فرصت مشارکت فعال برای دانش‌آموزان فراهم می‌شود و معلمان از روش‌های تدریس تعاملی استفاده می‌کنند، معمولاً زمینه مناسبی برای تقویت خودکارآمدی فراهم می‌آورند. در چنین محیط‌هایی، دانش‌آموزان فرصت دارند توانایی‌های خود را نشان دهند و تجربه‌های موفقیت‌آمیز بیشتری کسب کنند. علاوه بر این، برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که میان خودکارآمدی تحصیلی و پیشرفت تحصیلی رابطه مستقیم وجود دارد. دانش‌آموزانی که از خودکارآمدی بالاتری برخوردارند، معمولاً عملکرد تحصیلی بهتری دارند و نمرات بالاتری کسب می‌کنند. این دانش‌آموزان به دلیل داشتن اعتماد به نفس بیشتر، در انجام فعالیت‌های آموزشی فعال‌تر هستند و از

فرصت‌های یادگیری بهتر استفاده می‌کنند. به طور کلی، بررسی مطالعات مختلف نشان می‌دهد که خودکارآمدی تحصیلی می‌تواند به عنوان یکی از عوامل مهم در بهبود عملکرد یادگیری دانش‌آموزان مطرح شود. تقویت این عامل می‌تواند موجب افزایش انگیزش، استفاده مؤثر از راهبردهای یادگیری، کاهش اضطراب تحصیلی و در نهایت بهبود پیشرفت تحصیلی شود. نمونه‌ای از جمع‌بندی نتایج مطالعات مختلف در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۱. خلاصه یافته‌های پژوهش‌ها درباره رابطه خودکارآمدی تحصیلی و عملکرد یادگیری

سال	پژوهشگر	نتیجه پژوهش
1997	بندورا	وجود رابطه مثبت بین خودکارآمدی تحصیلی و پیشرفت تحصیلی
2002	پاجارس	تأثیر خودکارآمدی بر انگیزش و پشتکار تحصیلی
2012	شانک	ارتباط خودکارآمدی با استفاده از راهبردهای فراشناختی
2000	زیمرمن	تأثیر خودکارآمدی بر کاهش اضطراب امتحان
2003	پینتریچ	نقش خودکارآمدی در افزایش مشارکت کلاسی

بر اساس این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که خودکارآمدی تحصیلی یکی از عوامل کلیدی در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان است و توجه به آن می‌تواند نقش مهمی در بهبود کیفیت یادگیری در مدارس داشته باشد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه خودکارآمدی تحصیلی با عملکرد یادگیری دانش‌آموزان انجام شد. نتایج حاصل از بررسی منابع و مطالعات پیشین نشان داد که خودکارآمدی تحصیلی یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در فرایند یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان محسوب می‌شود. باور دانش‌آموزان نسبت به توانایی‌های خود می‌تواند بر میزان انگیزش، نحوه مواجهه با تکالیف درسی، میزان تلاش و پشتکار و همچنین استفاده از راهبردهای یادگیری تأثیر بگذارد. یافته‌های پژوهش نشان داد که میان خودکارآمدی تحصیلی و عملکرد یادگیری رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. دانش‌آموزانی که از خودکارآمدی بالاتری برخوردارند، معمولاً اهداف تحصیلی مشخص‌تری برای خود تعیین می‌کنند و برای دستیابی به این اهداف تلاش بیشتری انجام می‌دهند. این دانش‌آموزان در مواجهه با مشکلات و چالش‌های آموزشی، به جای اجتناب از فعالیت‌های درسی، تلاش می‌کنند راه‌حل‌های مناسبی برای حل مسائل پیدا کنند. در نتیجه، عملکرد تحصیلی



آنان نیز بهبود می‌یابد. همچنین نتایج نشان داد که خودکارآمدی تحصیلی می‌تواند بر نحوه استفاده دانش‌آموزان از راهبردهای یادگیری تأثیر بگذارد. دانش‌آموزانی که باور بیشتری نسبت به توانایی‌های خود دارند، بیشتر از راهبردهای شناختی و فراشناختی استفاده می‌کنند و در نتیجه یادگیری عمیق‌تری را تجربه می‌کنند. این موضوع می‌تواند به بهبود کیفیت یادگیری و افزایش پیشرفت تحصیلی منجر شود. از سوی دیگر، عوامل مختلفی مانند تجربه موفقیت در فعالیت‌های آموزشی، بازخورد مثبت معلمان، حمایت خانواده و فضای مناسب کلاس درس می‌توانند در تقویت خودکارآمدی تحصیلی نقش داشته باشند. بنابراین، توجه به این عوامل می‌تواند به ایجاد شرایطی مناسب برای افزایش اعتماد به نفس و باور دانش‌آموزان نسبت به توانایی‌های خود کمک کند. با توجه به نتایج این پژوهش، می‌توان گفت که تقویت خودکارآمدی تحصیلی یکی از راهکارهای مؤثر برای بهبود عملکرد یادگیری دانش‌آموزان است. معلمان و برنامه‌ریزان آموزشی می‌توانند با استفاده از روش‌های تدریس فعال، ارائه بازخوردهای سازنده و فراهم کردن فرصت‌های موفقیت برای دانش‌آموزان، زمینه تقویت خودکارآمدی آنان را فراهم سازند. در مجموع، توجه به ابعاد روان‌شناختی یادگیری و به ویژه تقویت خودکارآمدی تحصیلی می‌تواند نقش مهمی در ارتقای کیفیت آموزش و بهبود عملکرد یادگیری دانش‌آموزان داشته باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های آموزشی و تربیتی مدارس، راهبردهایی برای تقویت باورهای مثبت دانش‌آموزان نسبت به توانایی‌های خود مورد توجه قرار گیرد.

منابع

- ابوالقاسمی، عباس. (۱۳۹۲). روان‌شناسی تربیتی. تهران: سمت.
- احمدی، احمد. (۱۳۸۷). اصول و مبانی تعلیم و تربیت. تهران: نشر رشد.
- پارسا، محمد. (۱۳۸۹). روان‌شناسی عمومی. تهران: نشر بعثت.
- سیف، علی‌اکبر. (۱۳۹۴). روان‌شناسی پرورشی نوین. تهران: انتشارات دوران.
- شریعتمداری، علی. (۱۳۸۶). اصول و فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: امیرکبیر.
- شفیع‌آبادی، عبدالله و ناصری، غلامرضا. (۱۳۹۰). نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی. تهران: رشد.
- صیفوری، حسن. (۱۳۹۱). مدیریت آموزشی. تهران: سمت.
- قاسمی، محمود. (۱۳۹۳). انگیزش و هیجان در آموزش. تهران: رشد.



- کریمی، یوسف. (۱۳۹۰). روان شناسی عمومی. تهران: ارسباران.

- گنجی، حمزه. (۱۳۹۲). روان شناسی عمومی. تهران: ساوالان.

-Bandura, A. (1997). Self-efficacy: The exercise of control. New York: Freeman.

-Pajares, F. (2002). Overview of social cognitive theory and self-efficacy.

-Pintrich, P. (2003). Motivation and classroom learning.

-Schunk, D. (2012). Learning theories: An educational perspective.

-Zimmerman, B. (2000). Self-efficacy: An essential motive to learn.